

عنوان مقاله:

دوستی مدنی و دوستی کیهانی: دو روایت از نسبت شهر و دوستی در فلسفه سیاسی اسلامی

محل انتشار:

پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره 11، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسنده:

احمد بستانی - دانشگاه خوارزمی

خلاصه مقاله:

بحث از دوستی از دیرباز در نوشته های حکمی مطرح بوده است. اما نخستین بیان فلسفی دوستی متعلق به فلاسفه یونانی است و مدون ترین روایت از آن در کتاب «اخلاق نیکوماخوس» ارسطو طرح شده است. ارسطو درکی «مدنی» از دوستی داشت و روایت خود را بر مصالح عمومی ساکنان شهر و مناسبات مدنی مبتنی ساخت. این روایت را میتوان روایتی «مدنی» از دوستی خواند. در فلسفه اسلامی هرچند برخی از فیلسوفان مشایی به طرح دوستی مدنی پرداخته اند، روایتی دیگر را میتوان در اندیشه حکمای متأخر بازجست که دوستی را نه در چارچوب شهر، که در سلسله مراتب هستی طرح می کند. این روایت را در پژوهش حاضر دوستی «کیهانی» نامیده ایم. بدین سان پرسش مقاله حاضر به بحث از الگوهای دوستی در فلسفه اسلامی چه ویژگیهایی اختصاص دارد. در فلسفه اسلامی، هرچند الگوی دوستی تحت تاثیر ارسطو در فلسفه مشایی مطرح شده است، حکمای مسلمان به تدریج از الگوی دوستی مدنی فاصله گرفته و به ویژه پس از ظهور حکمت اشراقی، الگوی دوستی کیهانی را جایگزین نمودند. در این مقاله ابتدا الگوی دوستی مدنی را به ویژه نزد حکمای مشایی چون فارابی و مسکویه رازی مورد بحث قرار می دهیم و سپس الگوی دوستی کیهانی را در آثار شهاب الدین سهروردی و پیروان او بررسی خواهیم کرد. در مقام جمع بندی نیز خواهیم کوشید دو الگو را به اجمال با هم مقایسه کنیم.

کلمات کلیدی:

دوستی، شهر، حکمت اشراقی، رویکرد مدنی، رویکرد کیهانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1208366>

